

تعریف:

مصدری جامد است که سبب و علت ماقبل خود را بیان می کند و با عاملش در زمان و در فاعل مشارکت دارد، ولی در لفظ مخالف آن است مانند: وقت احتراماً لمعلمی که مفعول له در این عبارت احتراماً مصدری است که سبب و علت انجام شدن کاری را که قبل از آن است یعنی سبب (الوقوف: ایستادن) را بیان می کند، و در زمان آن مشارکت دارد، زیرا الاحترام و الوقوف در یک زمان اتفاق نیفتاده اند، و در فاعل نیز با آن مشارکت دارد، زیرا القيام و الاحترام هر دو از یک فاعل هستند. ولی در لفظ با فعل مخالف است، زیرا از لفظ فعل نیست.

احکام:

هر گاه مفعول له شرایطش باشد جایز است که مستقیماً منصوب شود، یا با یکی از حروف جری که معنای تعلیل می دهند مجرور شود (و مهمترین آن ها عبارتند از: لام و فی و باء و من). مانند: سافرتُ طلبَ الاستجمامِ ولی هرگاه بدون (ال) بوده و اضافه نشده باشد، بیشتر منصوب می شود مانند: زرتک اطمئناناً إلیک و هرگاه مقترن به (ال) باشد، بیشتر مجرور به حرف جر می شود مانند: سافرتُ للربغیه فی العلم، اما اگر اضافه شود، نصب و جر آن یکسان است؛

▪ نصب مانند آیه: **يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهِ اللَّهِ**

▪ و جر مانند آیه: **وَ إِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ**

نکات:

نحویون در مفعول له قائل به وجود ۵ شرط هستند:

۱. مصدر باشد بنابراین گفته نمی شود: جئتک المدرسه یعنی لأجل المدرسه
۲. قلبی باشد، یعنی فعلی باشد که از حواس درونی انسان سرچشمه گرفته است مانند: تعظیم و إجلال و خوف، و جرأت و رغبه و رهبه و علم و

- جهل و مانند آن، بنابراین گفته نمی شود: جئتک کتابه للرساله
۳. در زمان با فعل متحد باشد، بنابراین گفته نمی شود: سافرتُ العلمَ زیرا
 زمان سفر ماضی است و زمان علم آینده است
۴. در فاعل با فعل متحد باشد، بنابراین گفته نمی شود: وقفتُ احترامک لی
 زیرا فاعل الوقوف فاعل الاحترام نیست
۵. علت و سبب حصول فعل باشد، به گونه ای که بتوان آن را پاسخ این
 سؤال قرار داد: لِمَ فعلت؟ پس اگر گفته شود وقفتُ احتراماً لک به منزله
 جواب کسی است که می پرسد لِمَ وقفت؟ اما هرگاه مصدر علت روی
 دادن فعل را بیان نکند، در این حالت مفعول له نمی باشد، بلکه نسبت
 به آنچه که عامل متعلق می طلبد می تواند مفعول مطلق باشد مانند:
 عبادتُ الله عبادۀ یا غیر آن.
- مسئله مهم در اینجا این است که اگر مصدر یکی از این شروط را نداشته
 باشد، واجب است با حرف جرّی مجرور شود که معنی تعلیل می دهد
 مانند آیه: و لا تقتلوا اولادکم من اِلاق
 مانند: جئتک لکتابه الرساله و سافرتُ للعلم و وقفتُ لِاحترامک لی..الخ